

دعای تبدیل مصیبت به جایگزین بهتر



آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی

شهادت سیدابراهیم رئیسی مصیبت بزرگی برای ایران اسلامی و فرزندان انقلاب اسلامی بود. باید از این مصیبت بزرگ به خدا پناه برد و چنین دعا کرد: «انا لله و انا الیه راجعون اللهم عندک احتسب مصیبتی هذه اللهم اخلفنی فیها خیرا منها». در پرتو این دعا، خداوند بزرگ آنچه خیر و مصلحت برای مردم مسلمان ایران است، به آنان خواهد داد. اکنون پس از شهادت آیت... رئیسی، سیدالشهدای خدمت و شهید جمهور، لازم است مردم ایران این دعا را بخوانند تا هم روح سید محرومان شاد شود و هم خداوند، رئیس جمهور مناسب و بهتری به ما عنایت کند. این دعا، آرامش بخش دل های داغدار و مصیبت دیده ملت ایران است و به همگان یادآوری می‌کند با تفکر و همت و بصیرت و اراده، رئیس جمهور تراز انقلاب اسلامی را انتخاب کنند. در این دعا گفته می‌شود: «اللهم اخلفنی خیرا منها!

خداوند! جایگزین خوب و بهتری را به من عطاکن». امید می‌رود این مصیبت بزرگ با جایگزینی رئیس جمهوری بهتر جبران شود. ام سلمه و ابوسلمه زوجی بودند که در سال های نخستین بعثت حضرت محمد(ص) اسلام را پذیرفتند. هر دو به دستور پیامبر خدا(ص) همراه عده‌ای از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب به حبشه هجرت کردند. نام ام سلمه، هند نام شوهرش، عبد... بن عبدالاسد بود و چون فرزندی به نام سلمه داشتند، با کنیه ام سلمه و ابوسلمه معروف شدند. حدیثی را ابوسلمه از پیامبر خدا درباره دعای هنگام مصیبت برای جایگزین بهتر نقل کرده است.

روزی ابوسلمه این حدیث نبوی را برای همسرش ام سلمه گزارش کرد و گفت: «لقد سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم حدیثا احب الی من کذا و کذا؛ حدیثی را از پیامبر خدا شنیدم که در نزد من، محبوب‌تر از چنین و چنان است(کذا و کذا) کلمه تعجب و مدح است) سمعته یقول: لا یصاب احد بمصیبه فیسترجع عند ذلک و یقول: اللهم عندک احتسب مصیبتی هذه اللهم اخلفنی فیها خیرا منها الا اعطاها... عزوجل؛ وقتی به احدی مصیبتی رسید، پس در آن وقت استرجاع کند(انا لله و انا الیه راجعون بگوید) و بعد بگوید، بارخدا! این مصیبت را به پیشگاه تو حساب می‌کنم. بارخدا! بهتر از او را برای من جایگزین کن، پس خداوند جایگزین بهتری به او خواهد داد.

«قالت ام سلمه فلما أصبت بابی سلمه قلت: انا لله و انا الیه راجعون اللهم عندک احتسب مصیبتی هذه و لم تطب نفسی ان اقولا... م اخلفنی فیها خیرا منها ثم قلت من خیر من ابی سلمه الیس الیس ثم قلت ذلک. ام سلمه گفته است زمانی که به مصیبت ابوسلمه رسیدم(همسرم ابوسلمه شهید شد) گفتم: خدا! این مصیبت را به پیشگاه تو حساب می‌کنم و به دل‌م نیامد بگویم، خدا! بهتر از او را برای من جایگزین کن. گفتم: چه کسی بهتر از ابوسلمه است؟ سپس این جمله را گفتم. فلما انقضت عذتنا ارسل الیهما ابوبکر یخطبها فابت ثم ارسل الیهما رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سیری شد. ابوبکر از او خواستگاری کرد ولی او نپذیرفت. سپس عمر خواستگاری کرد و باز هم نپذیرفت. پیامبر خدا خواستگاری کرد. گفت، مرحبا برسول الله!... (بحارالانوار ج ۲۰، ص ۱۸۵/ مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد، ج یک، ص ۱۱۱).

بر اساس این حدیث، ام سلمه که این دعا را از همسرش از قول پیامبر خدا نقل کرده است، پس از شهادت ابوسلمه شوهرش، بخش اول دعا را خواند اما بخش دوم را در ابتدا نخواند، چون تصور می‌کرد جایگزین بهتری برایش نیست اما بعد از لحظاتی درنگ، بخش دوم را هم خواند... او هرگز فکر نمی‌کرد جای ابوسلمه را پیامبر خدا بگیرد، اما چون این بخش دوم را خواند، خدا بهترین همسر را به او داد.

بیرس و بدان

سؤالاتی درباره مسجد

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید پرسش های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارید.

● **سؤال:** آیا رعایت بهداشت در مسجدها تا این اندازه اهمیت دارد که به تلاشگران در این راه، وعده پاداش بزرگ الهی داده شده است؟ جارو کردن مسجد چه ثوابی دارد؟

● **پاسخ اجمالی:**

بر اساس آموزه‌های دینی، مسجدها دارای جایگاه ویژه‌ای هستند و خانه‌های خداوند بر روی زمین معرفی شده‌اند. از این رو به تمیز نگه داشتن آن ها فراوان سفارش شده است.

اهمیت این امر به اندازه‌ای است که خداوند، پیامبرانی مانند ابراهیم ^(ع) و اسماعیل ^(ع) را مأمور کرد تا به پاک‌سازی مسجد بپردازند: «...وَعَزَّنا إِلَیْ إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَالْعَاكِفِینَ وَالرُّکَّعِ السُّجُودِ»^۱ و ما به ابراهیم ^(ع) و اسماعیل ^(ع) دستور دادیم که خانه مرا(مسجد الحرام) برای طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، پاکیزه کنید. منظور از طهارت و پاکیزگی در این آیه می‌تواند طهارت از آلودگی و جود بت‌ها یا از آلودگی‌های ظاهری، مانند خون و محتویات شکم حیوانات قربانی باشد^۲ یا آنکه مراد از آن، خلوص نیت به هنگام بنای این خانه توحیدی باشد. ولی هیچ دلیلی ندارد که مفهوم طهارت در این آیه را محدود به موضوع خاصی بدانیم، بلکه منظور پاک ساختن ظاهری و معنوی این خانه توحید از هرگونه آلودگی است.^۳ در نتیجه شامل هرگونه تلاش برای عایت بهداشت مسجد، از جمله جاروکردن نیز خواهد شد.

همچنین هر کاری که نتیجه آن رونق گرفتن مساجد باشد، می‌تواند مصداقی از این آیه باشد که می‌فرماید: «إِنَّمَا یُعْمَرُ مَسْجِدُا... مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ یُخَشِ الْإِلَّاهَ... فَسَیْؤَلِیکَ أَنْ یُکُونُوا مِنْ الْمُتَّقِینَ»^۴ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز بپا می‌دارند و زکات می‌دهند و از غیر خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از راه‌یافتگان باشند.

طبیعی است که تلاش در راه حفظ بهداشت مساجد، نیز یکی از مصادیق بارز آباد نگه داشتن مساجد باشد.

در تعدادی از روایات نیز به رعایت بهداشت در مساجد و نیز تمیز کردن آن‌ها سفارش شده است؛ به عنوان نمونه رسول خدا(ص) می‌فرماید: «هرکه مسجد را جارو کند، خداوند ثواب آزاد کردن بنده را در نامه عملش می‌نویسد و هرکه به اندازه خاشاک چشمی، زباله از مسجد بیرون ببرد، خداوند دو پهره از رحمتش را به او هدیه خواهد داد».

پیامبر خدا(ص) همچنین فرموده‌اند: هرکه روز پنجشنبه، شب جمعه مسجد را جارو کند و به اندازه سرمه چشم، خاک از مسجد بیرون ببرد، گناهانش آمرزیده خواهد شد»^۵.

امام علی ^(ع) نیز می‌فرماید: «هرکه مسجد را بزرگ نگه دارد و نخاله و آشغال در آن نیندازد، فردای قیامت خندان خواهد بود و وقتی که(نامه اعمال) او را حساب می‌کنند، خداوند نامه عمل او را به دست راستش می‌دهد»^۸.

در روایتی مرسل نیز آمده است: «هرکه مسجد را جارو کند، گناه آن روز وی بخشیده می‌شود»^۹، و ...

۱) برای آگاهی بیشتر در این زمینه، رک: آثار فردی و اجتماعی حضور در مسجد، ۴۴۳۵۱/ ۲/، بقره، ۳/ ۱۲۵، طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه، بلاغی، محمد جواد، ج یک، ص ۳۸۵، ۴/، مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج یک، ص ۴۲۸-۴۴۹، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ۵/، توبه توبه، ۶/ ۱۸، بقری، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد المحاسن، محقق، مصحح، محدث، جلال الدین، ج یک، ص ۵۶-۷۵/، شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۱، قم، دار الشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۶، ۸/، اصفهانی (مجلسی اول)، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۲۸۹، ۹/، جرانی، ابوالاحمد بن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق، عبدالموجود عادل احمد، معوض علی محمد، ج ۲، ص ۴۵۸، بیروت، الکتب العلمیه چاپ اول ۱۴۱۸، قی.



شهر
SHAHARNEWS.IR
۱۳۳۱
۸ خرداد ۱۴۰۳
شماره ۲۲۲۷

۱۴



آمنه مستقیماً»^۱ «انسان موجودی است اجتماعی». این سخن را تقریباً همه ما شنیده‌ایم و حتی اگر نشنیده باشیم، فطرت ما و نیازمان به ارتباط با دیگران، ثابت می‌کند که انسان نه می‌تواند و نه باید، در انزوا و تنهایی و دور از دیگران زندگی کند؛ البته این تعامل هم مثل همه امور دیگر زندگی، آداب و شرایط و ضوابط خود را دارد؛ به همین دلیل

نیز اسلام که نسخه سعادت انسان در همه عرصه‌ها را ارائه و تضمین کرده، در این باره هم ما را تنها نگذاشته است، بلکه یادمان می‌دهد چطور با دیگران ارتباط برقرار کنیم که هم خود رشد کنیم، هم دیگران را رشد دهیم و هم آرامش جامعه را تأمین می‌کنیم. از شاه‌کلیدهای مهم رفتاری در تعامل با دیگران، مردم‌داری است. بنا بر تأکیدی

مروری به آنچه درباره مردم‌داری و جلوه‌های آن در باورهای دینی آمده است

نیکی به مردم موجب سعادت جمعی است

غمخوار دیگران دیدن و دانستن.

مردم‌داری به اندازه‌ای اهمیت دارد که از آن به رم‌رواز حیات اجتماعی مسلمانان تعبیر می‌شود و با این ویژگی است که انسان پایگاه مردمی می‌یابد و از محبت و مودت و حمایت مردم برخورداری می‌شود. به تعبیر دیگر، ماهی به آب زنده است و یک مسلمان اجتماعی، به حسن سلوک با دیگران.

جامعه‌ای که روی سعادت نمی‌پند

یکی دیگر از جلوه‌ها و بروز و ظهورهای مردم‌داری بنا بر تصریح آموزه‌های دینی، حمایت از محرومان و رسیدگی به آن‌هاست. در جامعه اسلامی، باید از لحاظ توزیع ثروت‌های عمومی، امتیازها و سایر خدمات، عدالت برقرار باشد و شرایط به‌گونه‌ای نباشد که عده‌ای در ثروت و غنای کامل و عده‌ای دیگر در فقر و محرومیت باشند، به همین دلیل پیامبران و اولیای الهی با فقر و محرومیت مبارزه و تلاش می‌کردند فقرا و محرومان جامعه علاوه بر رشد فکری و فرهنگی از محرومیت‌های مادی رها شوند و یک زندگی مناسب و در شان خود داشته باشند و بی‌عدالتی و ظلم ریشه‌کن شود. پیشوایان دینی نه تنها سفارش‌های مؤکدی در حمایت از مظلومان کرده‌اند، بلکه هرکدام در عصر خود، نمونه برجسته‌ای از انسان‌دوستی و ضعیف‌نوازی و محرومیت‌زدایی به شمار می‌رفتند. امیرالمؤمنین علی ^(ع) از پیامبر(ص) نقل می‌کنند: «جامعه‌ای که در آن، حق محرومان و ضعیفان از قدرتمندان بازستانده نشود، افرادی هیچ‌گاه روی سعادت و خوشبختی را نخواهند دید» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۸۴).

راز جذب قلب‌ها به رسول خدا(ص)

مردم‌داری گستره‌ای وسیع دارد و رفتارهای متنوعی را شامل می‌شود، مثل حسن خلق یا همان خوش اخلاقی. از امام صادق ^(ع) پرسیدند: حد و مرز اخلاق نیک چیست، حضرت پاسخ دادند: «آن است که اخلاقت را نرم کنی، کلامت را پاکیزه سازی و با چهره‌ای باز و گشاده با برادران دینی‌ات روبه‌رو شوی»^۱. معصومان ^(ع) خودشان نیز اهل خوش اخلاقی و نرم‌خویی بودند، چنان‌که پیامبر اکرم ^(ص) به حسن خلق شهرت داشتند و حتی قرآن کریم به این صفت نبوی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «به دلیل رحمت الهی بود که برای مردم، نرم شدی و اگر تند خو و خشن و سخت دل بودی... از دور تو پراکنده می‌شدند... یعنی حتی در پذیرش رسالت و اسلام آوردن مردم و تبعیت آن‌ها از رسول خدا(ص)، نیز این خوش اخلاقی است که نقش و تأثیر اصلی را دارد.

کار بسته این‌ها در قیامت باز می‌شود

پیشوای دوم شیعیان امام حسن مجتبی ^(ع) هم مانند پدرشان، مولای متقیان ^(ع)، در بذل و بخشش و دستگیری از بیچارگان، سرآمد روزگار و آرام‌بخش دل‌های دردمند و نقطه امید درماندگان بودند. آن حضرت دوبار تمام دارایی خودشان را در راه خدا دادند و سه‌بار، تمام اموال خود را با خدا تقسیم کردند و نصف اموال را به مستمندان بخشیدند. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵). امام رضا ^(ع) که به امام رئوف ^(ع) شهرت دارند، نیز به حمایت از محرومان توصیه می‌کنند و می‌فرمایند: «هرکه گرّه از کار مؤمنی بگشاید (و غمی را از او بزداید)، خداوند هم در قیامت، کار بسته او را می‌گشاید (و اندوهش را می‌زداید)» (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰).

پشت این افراد، خالی است

یکی دیگر از جلوه‌های مهم مردم‌داری و جلب قلب‌های مردم، تواضع و فروتنی است. این ویژگی به قدری در مردم‌داری اهمیت دارد که افراد به دلیل تواضع است که دور فردی جمع می‌شوند و به دلیل غرور و تکبر است که از دیگران دور می‌شوند. تکبر باعث می‌شود دیگران، پشت آدم را خالی کنند و در مقابل، این تواضع است که دل‌ها را جذب و همراه می‌کند. امام علی ^(ع) در این باره می‌فرمایند: «سه چیز موجب محبت دیگران می‌شود: دین‌داری، فروتنی و بخشندگی» (ج یک، ص ۳۶).

صداقت با مردم

مردم‌داری به صداقت هم نیاز دارد. آن‌ها که می‌خواهند در تعامل با دیگران، موفق و عزیز آن‌ها شوند، صداقت در گفتار و رفتار را سرلوحه کار قرار می‌دهند. این صداقت است که باعث می‌شود مردم، یکی را در جمع خود بپذیرند و به او اعتماد کنند. امام صادق ^(ع) به عبدالرحمن بن سبابه می‌فرماید: «می‌خواهم نصیحتی به تو کنم». سپس ادامه می‌دهند: «بر تو باد به راستگویی و ادای امانت تا شریک مال مردم شوی!» (اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۱۸۸). در حدیثی از امام صادق ^(ع) می‌خوانیم هنگامی که موسی بن عمران ^(ع) می‌خواست از استاد و معلمش خضر ^(ع) جدا شود، از او تقاضای پند و اندرز کرد. از جمله توصیه‌های خضر ^(ع) این بود: «از حاجت‌پرہیز و همچنین از گام برداشتن در طریقی که نیاز تو در آن نیست (خالت در اموری که به تو ارتباط ندارد) و همچنین از خنده‌های بی‌معنی، و همواره به یاد گناهان خویش باش و از بررسی گناهان مردم بپرهیز!» (تحف العقول، ص ۲۶۴). و نیز از ایشان است که: «مصلحت همزیستی سالم و معاشرت با مردم، در پیمانه‌ای است که دوسوم آن، هوشیاری و یک‌سوم آن تقاغل باشد» (برگزیده تفسیر نمونه، ج یک، ص ۶۰).

برای مردم، آن را بغواه که برای خود می‌خواهی

از دیگر جلوه‌های مردم‌داری، رفتار با آن‌ها به انصاف است؛ یعنی رفتار به دور از تبعیض، ظلم و ناملایمتی. در حدیثی از امام صادق ^(ع)، حضرت، برترین اعمال را سه چیز دانستند و اولین آن‌ها را رعایت انصاف درباره مردم، معرفی سبک زندگی‌شان نزدیک به ضعیف‌ترین اقشار جامعه باشد که هرچه را برای خود می‌خواهی، مانند آن را برای دیگران هم بخواهی».

امام علی ^(ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک‌اشتر نخعی می‌فرماید: «قلب خویش را مملو از رحمت و محبت و لطف به مردم کن و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آن‌ها را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو دسته هستند؛ یا برادر دینی تو هستند یا انسانی هستند مثل تو که حق زندگی دارند».

همچنین حضرت در نامه ۷ نهج البلاغه به استاندار مکه، قثم بن عباس، می‌فرماید: «... بین تو و مردم نباید واسطه‌ای جز زیانت باشد و حاجب و پرده‌ای جز چهره‌ات (باید مستقیم با مردم صحبت کنی و دردل آن‌ها را بشنوی). هیچ حاجتمندی را از ملاقات خود محروم مساز».